تاریخ عالم آرا

تاریخ عالم آرا

خورشی آمد خورشی آمد

هزار جان گرامی فدای قدمت

رواق منظر چشم من آشیانه تو است

قدم نما و فرود آ که خانه خانه تو است

باز بینی شد
۱۳۵۳ خ

/۱۴۰
۱۳۸۷/۱۲/۱۴

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب عالم آرای عباسی / فارسی
مصنف / مؤلف اسکندر بیک ترکمان
خطی نستعلیق ۲۳ سطری
چاپی
سال چاپ یا تحریر ۱۰۶۱ - ق عدد اوراق ۶۶۱ / م
جزء کتاب تاریخ شماره
شماره عمومی ۱۰۹۸۴ شماره قبض
واقف حاج آقا محمد ایرانی مجرد تاریخ وقف بهمن / ۵۰
طول ۲۸ عرض ۱۸/۵

۳۶۸

باز بینی شد
۱۳۵۳ خ

بسم الله الرحمن الرحیم

عنوان صحیفهٔ سلطنت و عالم آرائی پادشاهان کامکار و دیباچه دیوان خلافت و کشورخدائی شهریاران گردون اقتدار که بر حسب الملک والدین توامان ناظمان مناظم دین و دولت و مسند آرایان محافل ملک و ملت اند جز بتاسیس مبانی عدل و احسان و بسط و بساط رافت و امتنان زینت پذیر نیست چه هر یک [از] این گروه والاشکوه که از درگاه احدیت مامور امر إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ اند این شیوه ستوده را پیشنهاد همت ساخته در نگاهبانی خلق الله کوشش نموده اند پایه رفعتشان بذروه بلند وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا رسیده بدولت جاودانی و عزت دوجهانی فایز گردیده اند ارباب تحقیق و دیده وران عالم تمیز و تدقیق که نظر بصیرت بمشاهده مصنوعات کارخانه خلقت و ابداع گشوده اند صاحبان این مرتبهٔ کامله و دریانتگان این کیفیت شامله را که از مظاهر صفات و کمال احدیت اند بر حسب خطاب بلا ارتیاب السلطان العادل ظل الله ظلال ربوبیت و جزوی از اجزای نبوت شمرده اند نظم عدل کن زانکه در ولایت دل ٭ در پیغمبری زند عادل ٭ حق جهان را بنور عدل آراست ٭ آسمان و زمین ز عدل بپاست ٭ بحمد الله والمنه که ذات کامل الصفات عالم آرای صورت و معنی خدیو جهان قهرمان زمان شاهنشاه قضا قدرت قدر توامان [illegible] کامکار کامبخش [illegible] کامران عنوان صحیفه خلافت و عالم آرائی آرایش دیوان معدلت و کشورگشائی زینت افزای سریر سروری آراینده دیهیم عدالت گستری فرمانروای جهان خرد و دانش یگانه گوهر دریای آفرینش سلطان جهاربالش دولت و کامکاری زیبنده اورنگ نصفت و بختیاری سمی عم نبی آخر الزمان علیه السلام باخلاص شاهمردان که از وفور عقیدت و پاک اعتقادی خود را کلب آستان ملایک آشیان آنحضرت میداند نظم درة التاج تارک اقبال ٭ شاه بیت قصیده اجلال ٭ خلف دودمان خیر النسا ٭ خسرو عهد شاه دین عباس ٭ اعلی الله تعالی لواء دولته و خلافته بدین شیوه ستوده موصول و باطن [illegible]

ستوده کریمه معطور و مجبول است لاجرم از دیوان رفیع الارکان وَرَبُّكَ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ توقیع سلطنت و پادشاهی ممالک فسیحة المسالک ایران که خلاصه ربع مسکون و بهترین عرصه جهانست از زمره این شاهزادگان دودمان صفوت نشان بنام نامی آن خسرو عالیمقدار بلند مکان زینت و زیب یافته و منشور این موهبت عظمی باسم سامی آن سلطان سلاطین نشان توشیح و تزئین پذیرفته بعد از آنکه آن نزهت آباد ارم بنیاد که مروج معمور صاحب خردان عالم نمیراست از خشکسال حوادث زمان بپژمردگی یافته گلشن احوال ساکنان آن دیار بسموم هموم بی طراوت شده بود از انسام صبح اقبال و ابتسام نسیم عنایت ذوالجلال زلال کوثر مثال بهترین جاه و جلال آنحضرت طراوت تازه و خضرت بی اندازه یافته نضارت و خرمی از سر گرفت و همچنانچه در صحیفه اول نگاشته کلک بیان گردید مقر سلطنت روز افزون و مستقر خلافت ابد مقرون را بورود موکب مسعود رشک دار الخلود گردانیده اعادی مخذول العاقبه که خس و خار گلشن همیشه بهار دولت ابد پیوند آنحضرت بودند از نایره قهر زبان زمان سوخته راه عدم گرفتند و آنحضرت بعنایت واهب منان و تفویض والد عالیشان بی مانع منازعی بر مسند فرمانروائی ایران و تخت فیروز بخت آبا و اجداد عالیمکان تکیه زده جمیع طوایف قزلباش سرگردان بادیه حیرت و بی سرانجامی بودند وجود گرامی آن گوهر دریای عظمت و پادشاهی را گزیده از هدایای [illegible] ربانی و بهین عطیه از عطایای یزدانی دانسته از میمنت قدوم فرخنده لزومش آثار بشاشت و شادکامی بظهور آورده غلغله بشارت و مبارکباد از میان طوایف انسان بملکوتیان افتاد و فراز منابر وجوه دنانیر باسم و لقب همایونش آرایش یافته صیت سلطنت و پادشاهی و آوازه خلافت و شاهنشاهی آن برگزیده [illegible] در اقطار آفاق اشتهار یافت خلایق از اطراف و جوانب روی ارادت بدرگاه کیوان اشتباهش آورده پیشکش و نثار ایثار مینمودند و بزبان حال کافه انام بدین مقال گویا بود نظم شها بخت و دولت بکام تو باد ٭ سپهر و دو بخت رام تو باد ٭ مبارک بود بر تو تاج شهان ٭ که زیبنده بر تست تخت کیان ٭ بر آرای اورنگ فرماندهی ٭ که میزاد ار شاهنشهی ٭ بود از عنایات پروردگار ٭ قضا با تو رام و قدر با تو یار ٭ بعمر طبیعی رسد سال تو ٭ [illegible] فیروز اقبال تو ٭ بمانی بفرخندگی و جلال ٭ بر اورنگ شاهی صد و بیست سال ٭ تاریخ جلوس میمنت مانوس آنحضرت را موزونان و سخندانان عراق را ظل الله یافته اند و بدین طریق در رشته نظم کشیده تاریخ کرده [illegible] شاهنشاهی ٭ چون جلوس آن همایون گاه ٭ بود چون سایه خدای جهان ٭ سایه انداخت بر عباد الله ٭ سال [illegible] طلبیدم [illegible] آنک زد که ظل الله ٭ و اسم شریفش عباس بهادرخان نیز تاریخ جلوس همایون

اهدائی مرحوم حاج آقامحمد ایرانی
بکتابخانه آستانقدس رضوی
۱۳۵۰

اهدائی مرحوم حاج آقا محمد ایرانی
بکتابخانه آستانقدس رضوی
۱۳۵۰

باصره او طاری گشته دیده بینش بالکلیه از دیدن عاری و عاطل گر[illegible]رت بنا بر پاس حقوق خدمات از آن ابتلای او اغماض عین فرموده بهایه دستور منظور نظر عنایات شاهانه بوده بالعدم [illegible] بنابر رتق و فتق امور وزارت بپرداخت و بمحض توجه والتفات خسروانه نقصی بمناصب او راه نیافت و تا مدت دوازده [illegible] ایام بمنیهی وزارت کل خراسان کرده در ازمنه سابقه و قرون ماضیه بهانا نظیر اینمعنی وقوع نیافته باشد که در عهد دولت [illegible] هر یار حق شناس بنده نواز وقوع یافت و در ذکر سایر وزرای حضرت ممالک زیاده فایده ندیده **فقره چند در ختم کتاب و دعای دولت نواب کامیاب** لله الحمد والمنه که این جلد نسخه عالم آرا که عبارت از صحیفه ثانی صادرات احوال خسرو ظفر قرین بیهمال و واردات ایام دولت شهریار ظفر اقبال عباسی است صورت تسوید یافته رقم اختتام پذیرفت و محتمل که بعضی فقرات طفیلی آنچه مقصود بالذات بوده درین کتاب عالم آرا در رشته تحریر درآمده باشد که محل اعتراض معترضان بوالفضول تواند اکنون وقت آنست که کلک سخن پرداز لب از آن معذ[illegible]ـته از هرزه درایی باز آمده و زبان صدق بیان را بگوهر شکرین کلامی ع بوی مشک معطر آب گل بر سوش اعنی دعای دولت [illegible] نظام سلطنت و کامرانی پادشاه اسلام کهف انام ماه جهان افروز سپهر عدالت و عالم آرایی آفتاب عالمتاب کشور عظمت و فرمانروایی بلند قدر والا مکان شاهنشاه قضا قدرت قدر توامان برازنده تخت فیروز بخت اکاسره کیان خلاصه فرمانروایان [illegible]ـمان فرازنده اعلام جهانگشای شاهی زیبنده اورنگ جهان آرای شاهنشاهی گوهر بحر جود دُر دریای وجود سلطان [illegible] افراز شهریار رعیت پرور مسکین نواز که صفات حسنه جود و سخا آراسته و مداد و دهش بی اندازه بر نور رحمت و اشفاق [illegible] بجواب مسئولات ارباب حاجات بیت
نرفته لا بزبان مبارکش هرگز ❊ مگر در اشهد ان لا اله الا الله ❊
فاآن جوانبخت کا[illegible]ـیز عبدالله الملک المستعان السلطان ابن السلطان ابن السلطان و خاقان ابن خاقان ابن خاقان ابوالمظفر ابوالمنصور **شاه صفی بهادر خان** الصفوی الموسوی الحسینی خلد ظلال دولته العظمی الی یوم المحشر والمیزان تازه و تر ساخته ریاض سخن طرازی را بماء اجابت انتمای آن شهریار جهان آرا و ثنای سعادتمندی که ثمره از مفاخر جلالش در صد صحیفه اول رقم نگارش یافته و این اوراق جوق[illegible]راق زر رواق فلک بسم سایش تزئین پذیرفته شاداب گردانه **الدعا** خداوندا این نوباوه بوستان شهریاری و تازه نهال گلشن جهانداری را بلطف ازلی و حسن تقدیر لم یزلی بر فراز مسند فرمانروایی جد بزرگوار و اورنگ کشورستانی مهین جد عالیمقدار [illegible]ـهای بسیار الی یوم القرار پاینده و مستدام داشته عالمیان را در ظل ظلیل مرحمت و عاطفتش آسوده دار و بیادگار رصد فردوس مکان گیتی ستان بعمر طبیعی و فراغ خاطر ارزانی داشته بر اعادی دین مظفر و منصور گردان **بیت**
تو توفیق مسکین نوازیش ده ❊ بر[illegible]ین سرفرازیش ده ❊
و امینان بارگاه عزت و مقربان بساط قرب و منزلت و خواص و عوام بل کافه انام سیما آن سعادتمند اعلا[illegible]ـل احترام و دستور رفیع مقدار عالیمقام را که طالب ازدیاد دولت و دولتخواهان تضاعف جاه و حشمت این خسرو [illegible] گردون بسطت [illegible]ـرند از موائد احسان و دولت پایدارش متمتع و برخوردار [illegible]

آمین یا رب العالمین و در صد صحیفه اول این دفتر اشعار شده که [illegible]ـن تاریخ عالم آرا عمر وفا کند و فرصتی از شغل کسب معاش که مضیع اوقات شریف طالبان و ناگزیر کافه آدمیانست [illegible]ـن نوادر حکایات و خلاصه و سرجوشی از غرایب روایات چه آنکه افاضل متقدمین و متاخرین بر صحیفه بیان نگاشته و در صفحه [illegible]ـر که نشسته آید مثل کتاب نفادت انتساب جامع الحکایات و عجایب المخلوقات و حیوة الحیوان و کتاب فرج بعد الشدت و [illegible] نگارستان و اخلاق ناصری و جلالی و اخلاق المحسنین و امثال ذلک که هر یک گنجینه ایست مملو از لآلی آبدار و مخزن الاسرار ابرار [illegible]ـدت حیات که در حین اتمام این صحیفه صفوت نهاد شمار آن بهفتاد رسیده بدیده بصیرت دیده و بگوش هوش از پیران روزگار [illegible]ـیده و شنیده در یک سفینه جمع نموده از هر خرمن مستعدان خوشه و از مائده افضال هر کس توشه برداشته چون دریوزه [illegible]ـوانی دانش برنماید و مجموعه مختصری برداخته بدین صحیفه انضمام دهد و انتقالات آشفته بسرانجام نیز توجه و اعزاز آن عالیقدر دوست [illegible]ـج از سرانجامی یافته قابل کتابخانه شهریار همایون زمان قاآن دریادل سپهرآستان میسان دولت [illegible] تواناان که [illegible]ـه سر گرداندن بادیه استعداد نعم البدل اولاد یادگار بماند تا غایت که مشغول نشوند این گرامی نامه بود فرصت آن [illegible] فارغ از همه مشاغل و خاطری آسوده از هوسناکی دل که مصالح و دست افزار آن را جمع آورده بتالیف آن [illegible] سخنور و سخنوران بلاغت گستر که در زمان فرخنده نشان حضرت گیتی ستانی بهنگام سخن پردازی از تازه گو[illegible]ـت ذکر نموده خاتمه بدان آرایش دهد چون در حین اتمام این نسخه عالم آرا اسباب آن نیز جمع نبود قلم تقدیر تحریر آن را حواله بوقـ[illegible]ـوم اگر عمر بیوفا وفاداری نماید و توفیق الهی یار و مددکار گشته فرصتی دلخواه چنانچه اشاره رفت دست آید بترتیب آن نسخه پرداخته که [illegible]ـته ضمیر بظهور آید فهو المطلوب والا امیدوار است که از خاطر افسرده چه آید و از شیشه شکسته چه تراود و ارباب فطنت و ذکا [illegible] داشت ع
ای با آرزو که خاک شده ❊
این مطلع نیز از منظومات کمترین مناسب حال بود **بیت**
صد وعده کرد یار [illegible] بر زخم جور بود که آن بیوفا نکرد ❊
امید که این شکرفنامه اقبال از اعتراض بوالفضولان ارباب حقد و حسد دور بوده اگر [illegible] مطلع گردند در اصلاح آن کوشند و چشم عیب بین از آن بپوشند
بیت
هر برای خوبی شو این نامه را ❊ مکن کرم در عیـ[illegible]ـرا ❊
اللهم اغفر لراقمه و لکاتبه بحرمت الطاهرین المعصومین محمد و آله اجمعین

تمت هذا الکتاب بعون الـ[illegible] یوم الخمیس غره شهر ذی حجه الحرام سنه
احدی و ستین والـ[illegible]ـنبوی و کتبه العبد الضعیف الذلیل
المذنب الخاطی والمحتـ[illegible]ـهادی و شفاعة سیدنا محمد الهادی
محمد سعید بن احمد [illegible] الصمدانی غفر الله له و

بازبینی شد
۱۳۷۱ ش

تاریخ تولد نور چشمی احمد علی خان فرزند با سعادت سرکار نواب مستطاب

علیه عالیه عزت السلطنه دامت عظمتها در یوم چهارشنبه چهاردهم شهر رجب المرجب ۱۳۳۴

که عید مولود حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه بود بوجود آمد

امیدست که به برکت مولود آن بزرگوار قدمش میمون و مبارک و عمر

روزگارش بعزت و دولت پاینده و برقرار بهم باشد ۱۳۳۴

اهدائی مرحوم حاج آقامحمد ایرانی
بکتابخانه آستانقدس رضوی
۱۳۵۰

وازبین شد
ع ۱۳۵